



ستاد مبارزه با مواد مخدر
دفتر تحقیقات و آموزش

شاکله فطری مشاور اسلامی اعتیاد

نوشته‌ی:

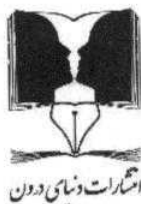
دکتر سید جلال صدرالسادات

همکاران:

لیلا صدرالسادات

امیرعلی صدرالسادات

سرشناسنامه	صدرالسادات، سیدجلال، ۱۳۲۶ -
عنوان و نام پدیدآور	شاکله فطری مشاور اسلامی اعتیاد/ نوشته سیدجلال صدرالسادات؛ همکاران لیلا صدرالسادات، امیرعلی صدرالسادات؛ [به سفارش دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر]؛
مشخصات نشر	تهران: دنیای درون، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۹۲ ص.
شابک	۷-۲-۹۵۰۷۶-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	واژه نامه.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۵۳۱-۵۹۲.
موضوع	معتادان به مواد مخدر - مشاوره
موضوع	مشاوره - جنبه های مذهبی - اسلام
موضوع	اعتیاد - ایران - درمان
شناسه افزوده	صدرالسادات، لیلا، ۱۳۵۶
شناسه افزوده	صدرالسادات، امیرعلی، ۱۳۶۱
شناسه افزوده	ستاد مبارزه با مواد مخدر، دفتر تحقیقات و آموزش
رده بندی کنگره	۱۳۰۵، ۴ص ۹الف/ HV۵۸۴۰
رده بندی دیویی	۳۶۲/۲۹۳۰۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۱۴۲۸۱



ستاد مبارزه با مواد مخدر

تهران: خیابان شهید دستگردی (ظفر) خیابان نفت شمالی، نبش کوچه ۲، صندوق پستی ۷۳۴۱-۱۹۳۹۵
دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر

تلفن: ۲۲۹۰۱۳۳۲ دورنگار: ۲۲۹۰۱۳۳۱
تلفن: ۰۹۲۰۶۱۰۸۴۴۰ دورنگار: ۶۶۵۰۰۲۳۵
www.mghp.ir www.mghp@pol.com

شاکله فطری مشاور اسلامی اعتیاد
نوشته: دکتر سید جلال صدرالسادات

همکاران: لیلا صدرالسادات - امیرعلی صدرالسادات

طراح جلد: مرضیه زهره

صفحه آرا: منیرالسادات حسینی

لینوگرافی، چاپ و صحافی: موسسه اطلاعات (ایران چاپ) نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول، بهار ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۲-۹۵۰۷۶-۶۰۰-۹۷۸ ISBN

فهرست مطالب

۳	پیشگفتار.....
۴۷	فصل اول: حایق ضروری.....
۴۸	مقدمه.....
۴۸	۱- حقایق که هستن آن ضروری است.....
۵۶	۲- مروری بر سیستم مفهومی اسلام و تاثیرات عملکرد مولفه های آن، بر افراد.....
۷۹	مشاوره با مراجعان مبتلای به HIV و اختلالات سوء مصرف مواد.....
۸۳	مسائل آموزشی، بدشماره و مشکلات کارکنان.....
۸۹	غریبالگری- نیازهای خاص مراجعان.....
۹۰	فاصله ی درمان سوء مصرف مواد بر مراجعان در لیست انتظار.....
۹۵	مسائل مشاوره خاص HIV و سوء مصرف مواد.....
۵۴	اقتضای خاص.....
۱۱۴	رشد و توسعه اهداف درمانی جدید در سوء مصرف مواد.....
۱۱۶	پیوستار مراقبت: راهبردهای درمانی مختلف برای سطوح مختلف مراقبت.....
۱۲۷	مشاوره با مراجعان بیمار نزدیک به مرگ.....
۱۳۳	کمک به فرزندان مراجعان جهت آماده کردنشان در مواجهه با درد.....
۱۳۶	مطالعات موردی.....
۱۳۷	مسائلی برای مشاوره اعتیاد.....
۱۴۱	فصل دوم: معارف اسلامی ضروری.....
۱۴۲	موقعیت انسان نزد خدا.....
۱۴۳	مفهوم و کیفیت توبه.....
۱۴۵	اخلاق در پرتو قرآن و اهل بیت (ع).....
۱۴۸	رمز همزادی آدمی با رنج.....
۱۴۹	رابطه بین حال آدمی و موهبت های الهی.....
۱۵۳	ناسپاسی از موهبت های الهی.....
۱۵۵	اثر عمل انسان به خود او.....
۱۵۸	نعمت امتحانات الهی.....

۱۵۹	ضرورت حکیمانه بودن عمل
۱۶۳	مفهوم ضلالت مجازاتی
۱۷۱	فصل سوم: سوء مصرف مواد و مدیریت موزدی
۱۷۱	مقدمه
۱۷۳	چرا مدیریت موزدی؟
۱۷۷	تعاریف و کارکردها
۱۸۵	پیوستار درمان سوء مصرف مواد و کارکردهای مدیریت موزدی
۱۸۶	یافتن مورد و دوره پیش از درمان
۱۸۸	درمان اولیه
۱۸۸	مراقبت های بعدی
۱۸۹	کارکردهای مدیریت موزدی و پیوستار درمان
۱۹۰	تعهد و درگیر شدن در درمان
۱۹۴	درمان اولیه
۱۹۴	مراقبت های بعدی
۱۹۵	سنجش
۱۹۵	یافتن مورد و دوره ی پیش از درمان
۱۹۶	درمان اولیه
۱۹۸	مهارت های تدارک خدمات
۱۹۸	مهارت های شغلی
۱۹۹	دوره مراقبت های بعدی
۱۹۹	طرح ریزی، هدف گذاری، انجام و اجراء
۲۰۱	یافتن مورد و دوره ی پیش از درمان
۲۰۳	درمان اولیه
۲۰۷	دوره های مراقبت های بعدی
۲۰۸	پیوند یا بازیابی با وکالت از سوی مراجع
۲۰۸	یافتن مورد و دوره پیش از درمان
۲۰۹	درمان اولیه
۲۱۱	قطع درمان
۲۱۳	فصل چهارم: معارف ضروری
۲۱۴	حسن ظن به خدا و توکل به خدا
۲۱۵	راز توکل به خدا
۲۱۷	نحوه برخورد با سنت های الهی

۲۲۱	دل‌بستگی به غیر خدا
۲۲۳	شادمانی و افسوس
۲۲۴	در برابر قضاء الهی
۲۲۵	رمز آسانی پس از دشواری
۲۲۶	شکل‌گیری سنت‌های خرافی
۲۲۸	اصرار بر ادامه سنت‌های غلط
۲۳۱	مفهوم قلب در قرآن و سخن‌نامه(ع)
۲۳۴	بیمار قلب
۲۳۸	مهر خوردن بر دل
۲۳۹	آرامش دل یا قلب
۲۴۲	با سستی دل - باید کرد
۲۴۳	از خود بیگانگی
۲۴۷	خلقت حکیمانه انسان
۲۴۹	معرفت‌شناسی انسان طوطا
۲۵۳	ارتباط شاکله انسان با عمل
۲۵۷	امنیت و آرامش
۲۵۹	حال انسان فطری و انسان عادی
۲۶۳	فصل پنجم: استرس، آسیب روانی، و مصرف مواد
۲۶۴	مقدمه
۲۶۸	شیوع ایدز در بین زنان معتاد آمریکایی آفریقایی تبار
۲۷۴	نوجوانان فراری و بی‌خانمان
۲۸۱	ارتباط زندان با آسیب روانی
۲۹۴	مدل گروهی برای پرداختن به آسیب روانی و اعتیاد
۲۹۶	نتیجه‌گیری
۳۰۲	صلاحیت‌های درمانگر در زمینه بحران و اختلال استرس پس از ضربه
۳۰۷	فصل ششم: معارف ضروری
۳۰۸	در محضر خداوند
۳۱۰	مفهوم و کیفیت ذکر
۳۱۲	مفهوم و کیفیت شکر
۳۱۳	مفهوم و کیفیت تقوا
۳۱۹	وفای به عهد و کیفیت آن
۳۲۱	به گفته‌هایتان پایبند هستید؟

۳۲۲	عکس العمل مناسب
۳۲۴	رفتار با فقرا
۳۲۵	مال اندوزی راز جاودانگی
۳۲۷	عالم برزخ
۳۲۸	قیامت و قطع روابط
۳۳۱	فصل هفتم: بهبودی
۳۳۱	مقدمه
۳۳۵	مراحل تغییر
۳۳۶	ارزش ها
۳۳۷	ارزش ها و تغییر
۳۳۷	بهبود
۳۳۸	مودی که در بهمه دی به ان توجه می شود
۳۳۹	بهبودی از نگاه ان من های ۱۲ گامی
۳۴۳	مدل رشد بهمه
۳۴۵	برنامه ریزی برای بهبودی
۳۴۹	فصل هشتم: پیشگیری از عود
۳۵۰	عود یا بازگشت چیست؟
۳۵۱	الگوهای عود
۳۵۲	برنامه پیشگیری از عود
۳۵۳	علائم هشدار عود
۳۵۸	زندگی سالم
۳۵۹	تبدیل شدن به فردی متعصب
۳۵۹	مبانی برقراری ارتباط
۳۶۱	مهارت های برقراری ارتباط و نیازهای ارتباطی
۳۶۳	شناخت برخورد های متقابل
۳۶۴	راه های نو برای بهره مندی از زندگی
۳۶۵	ایجاد راه های جایگزین
۳۶۷	صلاحیت های درمانگر در زمینه بهبودی و پیشگیری از عود مجدد
۳۷۸	مسئولیت های حرفه ای و اخلاقی مشاور
۳۸۶	مدیریت هیجان
۳۸۸	سلامت هیجانی چیست؟
۳۹۰	زنجره A-B-C هیجانات

۳۹۱	نکاتی برای مدیریت هیجان
۳۹۲	جمع‌بندی و نگاه به جلو
۳۹۳	حرکت به جلو و کمک گرفتن
۳۹۴	حالات درمانی
۳۹۵	برای دریافت کمک به کجا باید رفت؟
۳۹۹	مدیریت اعتدال
۳۹۹	بازیابی عقلانی
۳۹۹	آموزش بازیابی و مدیریت خویشتن

فصل نهم: زندگی و سبک زندگی: دغدغه‌های دیروز/امروز

۴۰۱	دغدغه رها کردن رها کردن اسلام
۴۰۹	دغدغه و رها کردن رها کردن اطباء
۴۱۳	تبیین موضوع پس از آن توسط اندیشمندان
۴۱۳	تبیین اول
۴۱۵	تبیین دوم
۴۱۷	تبیین سوم
۴۱۹	تبیین چهارم
۴۲۱	تبیین پنجم
۴۴۲	تبیین ششم
۴۵۷	تبیین هفتم
۴۶۰	تبیین هشتم

فصل دهم: تجارب نحوه برخورد با سوء مصرف مواد و الکل در برخی کشورها

۴۶۷	مقدمه
۴۶۹	آمریکا
۴۷۲	ایرلند
۴۷۸	هلند
۴۸۳	آلمان
۴۸۸	فلسطین اشغالی
۴۹۲	سنگاپور
۴۹۶	سوء مصرف مواد و الکل در مطالعات چند ملیتی
۵۰۳	کشورهای با اشتراکات زبانی و رسوم سیاسی و قانونمند کردن مواد

فصل یازدهم: مرور، بحث و بررسی آنچه انجام شده و پیشنهادهای ضروری

۵۱۱

۵۱۱	مقدمه.....
۵۱۲	برای دستیابی به مقصد مراحل زیر را پشت سر گذاشتیم.....
۵۱۲	انتخاب واژه‌های کلیدی.....
۵۱۴	روح / روان / نفس / جان و بدن.....
۵۱۸	ماهیت.....
۵۱۹	جنسیت.....
۵۲۰	قومی، قومیت، ملی.....
۵۲۲	دین.....
۵۲۳	عشق.....
۵۲۳	اخلاق.....
۵۲۵	اختیار.....
۵۲۸	علم.....
۵۳۳	فرهنگ و سبک زندگی.....
۵۴۰	نیاز.....
۵۴۶	نتیجه کلی.....
۵۴۷	فصل دوازدهم: برخی آیات و روایات مربوط به مشورت و مشاوره در منابع اسلامی.....
۵۴۷	مقدمه.....
۵۴۹	زبان خودرایی و استبداد.....
۵۵۱	اهداف مشورت رسول خدا(ص) و ائمه(ع).....
۵۵۴	نمونه‌هایی از مشاوره رسول خدا.....
۵۵۴	نمونه‌هایی از مشاوره امامان معصوم(ع).....
۵۵۵	رابطه مشورت دادن و تکلیف الهی.....
۵۵۶	پیامدهای مشورت.....
۵۵۸	فرایند صحیح مشاوره.....
۵۶۲	ویژگی‌های مشاور.....
۵۶۵	وظایف کلی مشاور.....
۵۶۶	وظایف اختصاصی مشاور.....
۵۷۱	اخلاق مدیریتی مشاور.....
۵۷۳	اخلاق همکاران مشاور.....
۵۷۴	وظایف و حقوق مراجع.....
۵۷۷	منابع.....

سخن اول

امروزه شاهد این واقعیت تلخ هستیم که موادمخدر و روان‌گردان‌ها به‌عنوان ابزار جنگ نرم، از سوی دشمنان انقلاب اسلامی مورد استفاده جدی قرار گرفته است، به گونه‌ای که با ترویج و استفاده از آن به دنبال بحران هویت، تضعیف عزم و اراده مردم، فروپاشی باورها و ارزش‌های بنامه، تضعیف ریشه‌های کهن سنت همچون مذهب و انسجام اجتماعی، هستند. این نگرانی، تغییر استراتژی دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از تهدید سخت (جنگ فیزیکی) به تهدید نرم (ترویج موادمخدر و روان‌گردان‌ها) بیانگر این موضوع بوده که در تهدید حساس با هزینه بالا، صرف زمان زیاد، با جغرافیای محدود انسانی، محیطی و طاقت‌فرسا، شاه‌لیکن در تهدید نرم از طریق ترویج ترافیک فزاینده‌ای از خرده فرهنگ‌ها و سوبامی، رادمخدر، مواد توهم‌زا، محرک‌های آفتماین و متافتماین، داروهای اعتیادآور، مشروبات الکلی و نیز روابط سوءاخلاقی با هزینه پائین، سریع‌الاث‌ر و با درگیر نمودن بخش‌های وسیعی از جغرافیای انسانی- محیطی و با نشانه‌روی مراکز حیاتی اجتماعی به‌صورت آ‌ر‌و و جنگ خاموش، به دنبال براندازی نرم فرهنگی و اجتماعی در کشور عزیزمان هستیم.

به دور از هرگونه انکار، سکوت، نفی و اغراق باید بپذیریم علی‌رغم سال‌های متمادی در امر مقابله با عرضه از سوی نیروهای پرتلاش انتظامی، امنیتی و قضایی با تقدیم حدود ۳۷۰۰ شهید گرانقدر و ۱۲۰۰۰ نفر جانباز، مقوله موادمخدر و روان‌گردان‌ها در خانواده، مدارس، دانشگاه‌ها، محله‌های شهری و روستایی، محیط‌های کاری صنعتی- نظامی- اداری و کارگری رسوخ کرده است. به گونه‌ای که در سال‌های دفاع مقدس (جنگ سخت) مجموعاً ۲۲۰ هزار نفر شهید و ۵۰۰ هزار جانباز برای صیانت از آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی تقدیم گردید، لیکن در این جنگ

نرم حداقل ۱/۳۲۵/۰۰۰ نفر معتاد و تعداد قابل توجهی همسران و فرزندان آنان در معرض ده‌ها آسیب فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی قرار گرفته‌اند. نیم‌نگاهی به دغدغه‌های مقام معظم رهبری بالاخص طی سال‌های اخیر در خصوص مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، حکایت از این واقعیت دارد که این تنورسین و دیده‌بان انقلاب، به خوبی تهدیدات نرم و تهاجمات فرهنگی را رصد نموده و با هشدارهای به موقع به مسئولان کشور، اهتمام جدی‌تر به منظور پاسداری و صیانت از انقلاب را خواستار شده‌اند. از جمله این موضوعات ابلاغ سیاست‌های کلی در باب مواد مخدر در مورخ ۳۸۵/۷/۱۰^۱ ابعاد مقابله با عرضه، پیشگیری، درمان، زیان‌کاهی، تقویت و ارتقاء دیپلماسی منطقه‌ای، جهانی مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، مشارکت جدی مردم، توسعه باالعت و نه‌هش‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای و نیز ارتقاء و اصلاح ساختار مدیریت مبارزه با مواد مخدر بوده، ضمن آنکه طی فرمانی خواهان برآورد درست از تهدید عظیم مواد مخدر، تعیین سهم دستگاه‌های مربوطه و اجرایی کردن سیاست‌های موصوف هر یک به سرعت، قاطعیت و بدون فوت وقت شده‌اند.

در این راستا ستاد مبارزه با مواد مخدر، به مثابه مرجع اصلی، بسترهای لازم را برای اندیشمندان، پژوهشگران، مولفان و ترجمان به منظور مشارکت در جهاد مقدس مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها فراهم نموده است تا نسبت به تحقیق و تدوین مطالب کاربردی، بنیادی و توسعه‌ای مبادرت ورزیده و به این ترتیب شاهد تقویت علم سازمان یافته برای ضربه زدن به استراتژی‌های سیستم هوشمند و پینامیک مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و نیز مهار و کنترل این پدیده شوم در جامعه اسلامی‌مان باشیم.

دقت تحقیقات و آموزش

ستاد مبارزه با مواد مخدر

پیش گفتار

هدف ما نه کتابی در خور برای فرهیختگانی است که مکتب اسلام را انتخاب کرده و تحت تعالیم آن پروا می‌افزایند و یا افراد دیگری هستند که مایل‌اند با این کتاب آشنا شوند و احتمالاً آن را در دسترس قرار دهند. و هر دو این گروه لازمست این اصل را پذیرفته باشند که هر موجودی به اندازه‌ی «رتبه‌ی وجودی خود» از حیات بهره می‌گیرد، از این رو حیات جماع، نباتی، حیوانی، و انسانی که در جهان خلقت با تفاوت درجات، موجود است، لیکن در تمام آن حیات انسانی است که از امتیازات ویژه‌ای سود می‌برد، و شایسته‌ی «درستی شناخته شود و به راستی به کار آید... قطع نظر از توانمندی‌های انسان در بهره‌مندی از مواهب خلقت، اهتمام او به تحصیل دانش و نیز روشی که چگونه آن موهبت‌های پروردگار را بشناسد و «نسبت خود» با آنها را تصحیح و اصلاح کند از امور حتمی و ضروری است. زیرا تنه‌اره توشه‌ی سفر ابدی انسان نیز به همین امور بستگی دارد که اگر به «توسعی» تحصیل و به آن عمل نشود، جز خسارت و حسرت نصیبی نخواهد داشت.

سعی ما در پدید آوردن این اثر در اینجهت بوده است تا صلاحیت‌های مشاوره اعتیاد که از منابع غیر اسلامی به عنوان: «الگوی کار» در نظر گرفته ایم، در کنار مبانی و عناصر مکتب اسلام که به نظر ضروری می‌آمدند آورده و ذکر شوند، تا کاربران محترم با خاطری آسوده تر بتوانند روش صحیح استفاده از آن را انتخاب کنند.

مقدمه اول

در این مقدمه سعی شده تا اجمال برخی گزاره‌ها نسبت به رویکرد اسلام که بعداً به تفصیل بیشتر آن پرداخته شده است، آورده شود: حیات انسان که دانائی توأم با توانائی و موهبتی از جانب خداوند است، به رسم امانت در اختیار انسان‌ها قرار داده می‌شود که لازمه است قدر آن را بدانند. قرآن کریم می‌فرماید: ما انسان را در صورت و ترکیب و اعتنائی که بتواند به پایه‌های بلند دست یابد بیافریدیم؛ سپس آنگاه که ناسپاسی کرده و کفر و رزیا را برای آنچه آفریدمش قیام نکرد، او را به پست‌ترین پستان باز گردانیدم؛^۱ و او را با امر بظلم و خطیر توجه می‌دهد که چه حیاتی موجب حفظ و بقاء مرتبه «احسن سویمی» است؟ انسان چگونه باید زندگی کند که در وادی هولناک و از بین برنده ی «اسفل»^۲ افتاد نشود و تازیانه‌های عذاب نخورد؟ و زندگی در خور نیک بختی و سعادت‌مندی چه ویژگی‌هایی دارد، و تباهی و نگون بختی که نشانگر انحطاط و شقاوت‌مندی می‌باشد از چه انواع دانائی‌ها و گمراهی‌ها نشئت می‌گیرد؟

دین و نصوص معتبر با تاکید اعلام می‌کنند که مرگ بازتاب زندگی است، و آدمی در جهان آخرت حاصل سعی و تلاش دنیوی خود را می‌بیند که در قرآن به آن اشاره شده است؛ و اینکه برای آدمی جز آنچه به کوشش خود کرده است نیست؛ و به زودی کوشش او دیده می‌شود.^۳ توصیه‌هایی از این قبیل که در روایات معتبر زیاد است؛ انسان آگاه و بیدار را وادار می‌دارد تا حیات و زندگی را بهتر بشناسد و با حفظ و عمل به آن، به بهترین وجه عمر خود را بگذراند.

در این ارتباط، گروهی بر این تصورند که دین در انزوای مسجد و محراب خلاصه می‌شود. حال آنکه به گواهی تاریخ، بخش اعظم دستاوردهای انبیاء و اولیاء (ع) در راستای اقدامات و فعالیت‌های اجتماعی بوده، و بیش از آنکه جنبه شخصی داشته

۱ سوره تین، آیه ۵-۴.

۲ سوره نجم آیه ۴۰-۳۹.

باشد وجه اجتماعی دارد، و بیشتر اقدامات فردی برای باسازی انسان و بازگشت به دامن اجتماع است. زیرا عمده کمالات آدمی در عرصه‌ی اجتماع شکل می‌گیرند و ساخته می‌شوند. قطع نظر از توانمندی‌های انسان در بهره‌مندی از مواهب عالم خلقت، اهتمام او در کسب دانش و اندوختن روش سودمند است که اگر به درستی تحصیل و بدان عمل نشود، جز خسارت و حسرت عاید او نمی‌گردد. و

از آنجا که اسلام دین زندگی است احکام و تعلیم حیات بخشی را برای انسان فراهم کرد. مانند در هر سطحی تعاملات خود را- تعامل با خود، تعامل با هموعان خود، تعامل با نظام حاکم، تعامل با حیوانات، تعامل با خلقت زیستی؛ و تعامل با خالق خویش- ایجاد و حکیم است. زیرا هیچیک از ابعاد وجودی انسان از آموزه‌های وحیانی تهی نیست؛ بلکه جریان درست و زندگی در جای جای زندگی نفوذ دارد و تنها با پذیرش و عمل به آن تعلیم زندگی معنا یافته و تحقق می‌یابد! برای دستیابی به چنین برنامه‌ی حیاتی هم به تلاش و اجتهاد لازم نیاز است و هم به کوشش و جهاد عملی و هم به لطائف‌ها و آرایه‌های هنری- جهاندانه، نهادهای، و جهان آرائی- که بدون این سه، بهره‌وری استفاده از حیات عالم آفرینش بسیار ناچیز و غیر قابل توجه خواهد بود. راه رسیدن به مقصد از دو طریق میسر است: (۱) راه مستقیم ارتباط با خدا از طریق انجام اعمال عبادی در بخش‌های سه گانه‌ی نماز و دعا و ریا، و بهره‌مندی از ثواب و پاداش آنها؛ و (۲) شئون دنیائی که لازم است با آموزه‌های وحیانی هماهنگ باشد تا انسان از این برنامه‌های الهی بهره‌مند شود و از آثار آن در دنیا و آخرت بهره‌مند گردد.

از منظر اسلام، انسان در جریان خلقت مقدم بر تأثیر عوامل تاریخی و اجتماعی، دارای بعد وجودی خاص شده و استعدادهایی والا به او عنایت شده است که به او «هویت» می‌بخشد. به نظر گروهی از ایدئولوژی‌ها؛ شعور، وجدان و گرایش‌های انسان، تحت تأثیر عوامل تاریخی در حیات ملی و قومی، و یا عوامل اجتماعی موضع طبقاتی مشخص می‌شود، و صرف‌نظر از عوامل تاریخی یا اجتماعی خاص، نه شعور دارد، نه وجدان، و نه صلاحیت دعوت و خطاب؛ بلکه موجودی انتزاعی است نه عینی!

مارکسیسم و همچنین فلسفه‌های ملی و قومی چنین دیدی از انسان دارند، و خاستگاه این فلسفه‌ها منافع طبقاتی، یا احساسات قومی و نژادی، و حد اکثر فرهنگ قومی است! تفاوت اساسی انسان با جانداران، در بینش‌ها و گرایش‌هایی است که ملاک «انسانیت» او نیز می‌باشد. فرد تکامل یافته یعنی وارسته از محکومیت بیرونی و درونی، و وابسته به عقیده و ایمان، و فعالیت‌های «تدبیری» آدمی آنگاه انسانی می‌شود که علاوه بر عقلانی و ارادی بودن، در جهت گرایش‌های عالی انسانیت باشد! و آنچه بشر را به سمت جهت، و آرمان مشترک می‌بخشد، و ملاک خیر و شر و باید و نباید برایش می‌گردد؛ یک «مکتب» و «ایدئولوژی» جامع و کامل است. پیوستن فرد به یک ایدئولوژی آنگاه صورت واقعی پیدا می‌کند که شکل «ایمان» به خود بگیرد. ایدئولوژی عام و انسانی مانند ایدئولوژی اسلامی نسبت به انسان نوعی شناخت دارد که از آن تعبیر به «فطرت» می‌شود. فطرت، بطور خودی آگاهانه‌ی انسان است با علت غایی! علم و معرفت در عقل نظری و تکیه بر عقل عملی سبب شکوفایی فطرت است و جهل علمی و جهالت عملی مانع شکوفایی آن هستند. قرآن معارف واقعی و احکام شرعی را فطری و روشن می‌داند.

مکتب اسلام جامع و واقع گراست که همه‌ی نیازهای انسان توجه دارد، و مجموعه‌ی تعلیمات اسلامی شامل:

(۱) اصول عقاید- چیزهایی که هر فرد وظیفه دارد که برای کسب عقیده‌ی صحیح راجع به آن و لزوم آن برای خودش تلاش کند؛

(۲) اخلاقیات- خصلت‌هایی که یک فرد مسلمان وظیفه دارد خویش را به زیور آنها بیاراید و از اضرار آنها دوری گیرند؛ و

(۳) احکام- دستورهای مربوط به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان اعم از معاشی و معادی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی است. جهان بینی اسلام «توحیدی» است و جهان، یک «آفریده» است و با عنایت و مشیت الهی- «آفریدگار»- نگهداری می‌شود، و راه‌های شناخت علت غائی- آفریدگار- ادله نقلی، برهان عقلی، و شهود

است. و انسان اسلام، مخلوقی مستوی و معتدل، نفس او مُلهم به فجور و تقوی، و آگاه بالفعل به: علم شهودی و حضوری، به حسن و قبح و صلاح و فلاح فطری است. می‌داند چه می‌خواهد و چه راهی برود؛ و دارای:

(۱) «روح» که حقیقتی مجرد، ماوراء بدن و اداره کننده آن به وسیله اراده، شعور و سایر صفات ادراکی است که پس از مرگ باقی می‌ماند. تفکرات مادی و الحادی، روح را همین مغز و بازتاب‌های مغزی می‌دانند، اما اسلام آن را عضو مُدرک، و مغز را ابزار و آلت آن می‌داند؛ و

(۲) «بدن» که پس از مرگ، فانی می‌شود؛ و

ارتباط «روح و بدن» همواره در فلسفه مورد توجه بوده است. اما از قرن هفدهم میلادی که رنه دکارت دیوار پولادین بین این دو کشید، این مسئله و به تبع آن میانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی انسان غربی وارد مرحله دیگری شد. رنه دکارت باور داشت «روح و جسم» از دو جوهر به کلی متفاوت هستند و نسبت به هم تباین ذاتی دارند. بعد از دکارت این فرضیه تا حدی پذیرفته شد که روح و جسم را با یکدیگر جمع نیستند و پذیرش یکی مستلزم نفی دیگری است! امروزه، در فلسفه ذهن که به عنوان یکی از مدرن‌ترین شاخه‌های معرفت‌شناسی غربی است، دخالت نداشتن جنبه‌های معنوی و غیرمادی در فرایند ایجاد باور، احساس و دانش انسان یک امر مسلم و قطعی تلقی می‌شود. فلسفه ذهن تلاش می‌کند تمام آنچه در ادراک و ذهن و رفتار انسانی وجود دارد را با علوم حسی و مادی، نظیر الکترو مغناطیس و نورو ساینس، توضیح دهد!

عدم ملاحظه‌ی جنبه روحی و بعد معنوی انسان در محاسبات رفتاری انسان تنها در فلسفه ذهن؛ بلکه به عنوان یک دیدگاه و جریان غالب در تمام عرصه‌های حیات انسان، جای خود را باز کرده، معنای زندگی انسان کم کم به توسعه جنبه مادی و حداکثرسازی تسلط او بر طبیعت تغییر کرده، و تکنولوژی جدید به عنوان یک فرهنگ توسعه مادی انسان؛ تئوری‌ها و ابزارهای تصرف هرچه بیشتر را در اختیار انسان قرار داده است! عقل عملی، روح را در برابر طغیان شهوت و غضب محافظت می‌کند، و عقل نظری با مهار حس

و خیال و وهم در اندیشه و تفکر، از ایجاد نا آرامی و شورش فکری جلوگیری می‌نماید. تفکر بدون تقوی ممنوع است، و عقل در صورتی در کار خود مستقیم است که انسان در تقوی و دین فطری خود استقامت داشته و پا برجا باشد!

در رویکرد مادی، دیگر چیزی از بعد روحی، اخلاقی، معنوی و در یک کلام انسانیت انسان باقی نمی‌ماند؛ و «علم اخلاق» که از زمان فیثاغورث و سقراط برای پاکیزه نگه داشتن نفس انسان لازم شمرده می‌شد، به «اخلاق زیست محیطی» و «اخلاق بهداشتی» که صرفاً حوزه‌ی تصرفات انسان و محیط کار او را پاکیزه نگه دارد تقلیل می‌یابد. جامه شناسی که از زمان ابن خلدون و فارابی درصدد توصیف حیات جمعی انسان عامل مخر بود، به «جامعه شناسی توسعه» و نظیر آن که درصدد توصیه به انسان اسیر برای کنار گذاشتن رفتارهای جمعی ضد توسعه اوست، تقلیل پیدا می‌کند. روان‌شناسی که باید هم‌زمان «علم النفس صدرایی و سینایی» به ژرفای نفس پیچیده و حیرت‌انگیز انسان نفوذ کند، به «روان‌شناسی رفتاری پاولوف» تقلیل پیدا می‌کند که با نظریه بازتاب‌های شرطی، از انسان‌های شبيه حیوانات بسازد که به راحتی تحت کنترل و تربیت نوسانات اقتصادی و صنعتی و نظیر آن باشند!

انسان اسلام، ولنگار رها شده پرت در محیط دراعماق ظلمت و تاریکی که خودش باید انتخاب کند تا به هرچه رسید، راه او، و همان رایش خیر و ارزش باشد؛ نیست! او در گردونه هدایت، آزاد آفریده شده، و قدرت انتخاب دارد، و با آزادی‌های بی‌جهت، کور، و کنگ که در حوزه هدایت نمی‌باشد؛ مبارز می‌کند. اسلام سراسر جهان را نور، هدایت، و پیام، دارای پیوستگی و جهت‌گیری برای اراد بصیر، متفکر، و متدبر می‌داند، و این نفس انسان است که باید آنچنان ساخته شود تا بتواند از این فروغ‌های هدایت استفاده کند. و هدایت به سوی راه میانه؛ - غیر انحرافی - به عهده‌ی خداوند است. گمراهی ناشی از سوء استفاده از اختیار، سبب پژمردگی تدریجی روح انسان می‌گردد، و خداوند چنین «گمراهی» را از هدایت محروم می‌نماید. هیچ یک از تقاضا و خواسته‌ی مزاج انسان از جد اقتضاء - خارج شدن عمل از اختیار انسان -

تجاوز نمی‌کند. انسان محکوم به انتخاب یکی از دو سرنوشت سعادت و شقاوت نیست؛ بلکه مخیر بر سر دو راه جهت اختیار راه مناسب است!

در اگزیستیالیسم «اصالت وجود» مطرح است به این معنا که انسان فقط هست، اما هیچ رنگ، خصوصیت، و ماهیتی ندارد و باید برای خودش ماهیت و خصوصیت و ابعاد بسازد! جبریون معتقدند انسان با ماهیت ساخته شده به وجود می‌آید و در یک خط سیر جبری قرار می‌گیرد و از آن تخلف نمی‌تواند بکند! لکن اسلام می‌گوید: اگر منظور از ماهیت استعداد باشد در انسان وجود دارد؛ اما نه به معنای آن موجودیتی که برایش ارزش قائلیم؛ بلکه دارای ماهیت و طبیعتی است بین فراتر از همه‌ی «فراتران» و «فروتر» از همه‌ی «فروتران» که خود باید برای خودش بسازد. انسان در بین جاذبه‌های مختلف، گاه مقام و ارزش خودش را به پای بت‌ها قربانی می‌کند و حیثیت خودش را بر باد می‌دهد، و گاه آنچه متعالی‌تر می‌کند که همه چیز، و بالاتر از همه، جانش را در راه خدا می‌دهد و به فوز، فلاح، و نجات می‌رسد!

انسان به علت عدم شناخت خود و به اشتباه برار هویت واقعی خویش، به جهالت علمی و جهل عملی مبتلا است، و رسالت پیامبران کمک به انسان برای ساختن هویت خودش است؛ و «دین» نقش آفرین اصلی در ساختن هویت آدمی است. دین، گاه با عقل ثابت می‌شود گاه با نقل، و عقل همانند علم هرگز برابر دین نیست؛ بلکه بخشی از قلمرو آنست، زیرا عقل در برابر نقل است نه در برابر دین، و همانگونه که جدائی دین از سیاست سخنی ناصواب است، جدائی عقل و علم از دین نیز تصویری غیر عادلانه و غیر عاقلانه است! دین در طلیعه ظهور خود برای رفع اختلافات فطری بشر بود، اما رفته رفته کاملتر و شامل اختلافات غیر فطری هم گردید، و مشکل دنیای غرب با دین ما ست، و قرآن فرموده است که یهود و نصارا هیچگاه از شما راضی نخواهند شد مگر از دین خود دست بردارید!

مارکسیسم بر این باور است که بشر نمی‌تواند یک «منطق» ثابت داشته باشد زیرا تابع شرایط زمانی و مکانی است؛ لکن اسلام می‌گوید، انسان همانطور که در منطق

نظری می‌تواند از منطق ثابت پیروی کند، در منطق عملی نیز می‌تواند چنین باشد. گروهی اخلاق را نسبی می‌دانند، اما اسلام اصول اولیه اخلاق و معیارهای اولیه انسانیت را ثابت و تنها معیارهای اصول ثانویه را نسبی می‌داند.

علم، ملازم هدایت نیست، و علمی ملازم هدایت است که توأم با التزام علم به مقتضای عملش باشد. علوم مربوط به خواص اشیاء خارجی به و سیله حس، علوم کلی و فکری از طریق اعطاء و تسخیر الهی، و علوم عملی با الهام الهی و به وسیله افکندن دل و کوبیدن در فطرت، به دست می‌آید. اثربخشی و رستگاری علوم عملی منوط بر اینست که علوم کلی و فکری صالح باشد و با صحت و استقامت رشد کند!

اگر انسان بها خودش را در ابزار معرفت شناسی حس، تجربه و استقراء، محدود کند؛ سبب استیختار شدن چهل در علوم انسانی و انسان شناسی ش می‌گردد. قرآن کریم راه «حسبون» که بر حس و تجربه متکی هستند و در مباحث علمی، احکام عقلی محض را نفی می‌کنند؛ خدا می‌داند و به نخستین چیزی که اهمیت می‌دهد «توحید» است. و توحید از ماده جدا و از حس است دور و به «احکام عقلی محض» در ارتباط است. در قرن نوزدهم از دل تجربه گرایی، پوزیتیویسم سر درآورد که قائل به الفاظ با معنا- دارای مصداق خارجی- و بی معنا- فاقد مصداق خارجی- بود. مبنای دنیای مدرن «شکاکیت»، و بزرگترین مبنای معرفت شناسی لبرالیزم، شکاکیت است!

تفکیک «سبک زندگی» از اعتقادات و دین، یا سکولاریز کردن سبک زندگی، مهم‌ترین دستاورد نظام سلطه بوده که مرزهای آن به جامعه‌ی آمریکایی محدود نشده، و با این منطق بوده است که «فرهنگ مهاجم» غرب خود را به «فرهنگ غالب» تبدیل کرده است! غفلت از جایگاه دین اسلام به ویژه «مکتب تشیع» در سنت، تاریخ، و هویت جامعه ایرانی؛ ضعف آشکار بسیاری از پژوهش‌ها و تحلیل‌ها پیرامون سبک زندگی بوده و هست. علیرغم تصور برخی فیلسوف نماهای غربی و مقلدان داخلی که جامعه را با ایدئولوژی و مکتب نمی‌شود اداره کرد؛ اما تمام تجربیات تمدن ساز، نشان می‌دهد که مکتب، هدایت کننده و اداره کننده حرکات اجتماعی است و بدون داشتن

مکتب و ایدئولوژی، و بدون ایمان و تلاش، و پرداخت هزینه های لازم، هیچ تمدنی امکان تحقق نمی یابد!

تفسیر فرهنگ و سبک زندگی از نگاه توحیدی- خدا محوری- متفاوت از سبک زندگی انسان مدارانه ی غربی بوده، و در عرصه عمل در حالی که جنس فرهنگ و فرهنگ سازی به خصوص در جامعه ی ایرانی- که از ظرفیت شبکه سازی برخوردار است- باید از پائین به بالا باشد. برخلاف کشورهای مقلد، ملت هایی که در مقابل تمدن غرب، مکتب توحید را انتخاب می کنند؛ هم به پیشرفت حقیقی و همه جانبه دست می یابند و هم تمدنی عمیق و ریشه دار می سازند که فکر و فرهنگ آنها را در جهان گسترش می دهد. در پیشرفت همه جانبه را به معنای «تمدن سازی نوین اسلامی» بگیریم، این تمدن، به ش «ایزاری»، و «حقیقی و اساسی» دارد که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می دهد. اسلام، «خرد ورزی، اخلاق و حقوق» را مایه های اصلی فرهنگ صحیح می داند، و بدون آنها پیشرفت اسلامی و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. فرهنگ رنگم، متأثر از تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی را برای زندگی تعیین کنیم، سبک خاصی را به همراه می آورد. تحقق هدف اصلی تعیین شده در هر «مکتب و نظریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی» نیازمند اعتقاد و ایمان به آن هدف بوده، بدون اعتقاد جدی و تلاش، هیچ هدفی تحقق نخواهد شد؛ و

اسلام پیشرفتی که شبه روشنفکران غرب زده برای کوردهای غربی قائلند را سعادت نمی داند؛ زیرا این پیشرفت مایه فلاکت، مظلومیت و بدبختی مادی و معنوی بوده و هست، و حتی برای خود ملت پیشرفته هم، سعادت نیست؛ زیرا سعادت در اینست که از یک سو از نعمت های مادی برخوردار شود و از سوی دیگر جان او با فضائل اخلاقی و معارف حق الهیه آراسته گردد. در داوری نسبت به جوامع متمدن؛ افراد آن جامعه را نباید با افراد جامعه ی دیگر سنجید. بلکه لازمست که «شخصیت اجتماعی» آن جامعه را با «شخصیت های اجتماعی» سایر عالم سنجید. و اگر شبه روشنفکران غرب زده، جامعه ی غرب را «یک شخصیت» می گرفتند و رفتار آن «شخصیت» را با شخصیت

های سایر جهان می‌سنجیدند؛ معلوم می‌شد که از تمدن غربی‌ها شگفت زده می‌شدند، یا از توحش آنان!

متأسفانه، از اواسط دوره قاجار، غرب و غرب زدگی و مواجهه مردم ما با این پدیده، به شکلی جدید در حوزه‌ی فکر و اندیشه به صورت گسترده پدیدار گشت، و از آن جا که جامعه‌ی ایران یک جامعه‌ی دین دار، دین محور، و خدامحور است، و در آن پابندی به دین و سنت تا حدود زیادی یافت می‌شود؛ با ورود نگرش‌ها و اندیشه‌های غربی به جلوه‌های مدرنیته توسط افرادی خاص، این تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت، بروز پیدا کرد و این چالش هنوز ادامه دارد!

غریب فرهنگی و فلسفی با تفکری که در آن انسان می‌خواهد جای خدا را بگیرد - به جی‌اچ‌اچ - بودن خود به خلافت الهی - و به صورت موجودی صاحب علم، و اراده و قدرت و ... بایگیا - شریع ظاهر شود و می‌بایست همه چیز را در تصرف و تملک خود درآورد؛ پدید آمدن غرب آنچنانکه بسیاری از متفکران غربی نیز به آن اذعان کرده‌اند کوشیده است تاریخی جدید با نگرش و هویتی جدید را برای انسان رقم بزند. برخی از اندیشمندان غرب هر کدام، نحوی، این تعارض اشاره کرده‌اند. عادات و سبک زندگی مردم امر مهمی است و امروز اندیشمندان غربی هم از شیوه زندگی غربی دفاع نمی‌کنند، و آراستگی به فضائل انسانی و زندگی رهبر کارانه نیز در نظر همه کس، شرط کمال و صورتی از آن است!

سبک زندگی مصرفی کنونی حاکم بر جوامع غربی، صدامت، مسئله قابل بحث و تحقیق در مراکز علمی فرهنگی نیست؛ بلکه خطر بزرگی برای آینده فرهنگ‌ها و سست شدن بنیاد انسانیت و سرایت آشوب در همه چیز و همه جا و حتی در شیوه زندگی گسترش یافته کنونی است. مشکل جامعه‌ی ما اینست که قائلان به «جمع سبک زندگی غربی و اسلامی» نمی‌دانند مرادشان از سبک زندگی چیست؟ این سبک شیوه زندگی غربی، در پناه قدرت تکنیک بوجود آمده و در سراسر روی زمین بسط یافته و از لوازم تجدد و جلوه‌ی جهان جدید؛ بلکه عین آن است، و حکمرانی این قدرت‌ها،

شیوه‌ی زندگی خاصی را می‌طلبند و بسیار بعید است که معنای اخلاقی، و دینی پارسایی، و فضیلت بتواند در پناه آن دوام بیاورد! لذا لازمست که به تأثیرات ملزومات قطعی زندگی تکنولوژی زده بر سبک زندگی، توجه کرد!

در اینجا لازمست به جامع نگری، و آینده نگری کسی- رهبری انقلاب- توجه کرد که بحث "تولید علم و جنبش نرم افزاری" را در خطی موازی مقوله «سبک زندگی» پیش می‌برد و لوازم تحقق سبک زندگی اسلامی را نیز پیش بینی نموده است، و از گذشته دور ارتقای فرهنگ عمومی» در کشور برای کسانی همانند ایشان اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته و دارد، و به نظر می‌رسد در منشوری که در زمینه‌ی «فرهنگ و سبک و زندگی» ارائه کرده است، تمامی مؤلفه‌های سبک زندگی اعم از: هویت (فهم از خود، فهم از جامعه، فهم از تاریخ و...)، ارزش‌ها (هم صفات آرمانی و هم انسان‌های آرمانی)، معماری شهری و رحانگی، نظام آموزش، زبان و ادبیات، هنر، خانواده (نظام و نقش)، روابط اجتماعی، ساختار اجتماعی، دین داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، نظام غذا و طب فردی و خانواده، رسانه، تکنولوژی، نحوه نگرش به عالم، نگرش به نظام سیاسی، اجتماعی و نظائر آنها؛ با معارف اسلامی گره خورده است، و فرهنگ غرب، از آن‌جمله تنگی مهاجم است و به هر دلیل در کشوری رواج یابد، بتدریج فرهنگ و هویت آن ملت را نابود می‌کند! و با توجه به عادی شدن گناه بزرگ «همجنس بازی» در غرب، اروپا و خانواده‌ها و بحران‌ها و مشکلات عمیق دیگر در کشورهای غربی و کشورهای مقلد فرهنگ غرب؛ باید دانست که پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است؛ لکن باطن آن «سبک زندگی مادی شهوت آلود گناه آفرین هویت زدای، و ضد معنویت» است!

ساموئل هانتینگتون در کتاب «چالش‌های هویت در آمریکا»؛ موفقیت نظام سیاسی آمریکا را در هویت‌سازی و در یک کلمه «آمریکایی کردن» می‌داند- آمریکایی زندگی کنید حتی اگر مسلمان هستید، ما با دین، مذهب، رنگ پوست، و موی شما کاری نداریم!